بوریرام در پایان فصل گذشته لیگ تایلند با ۷۰ امتیاز، ۹۲ گل زده و تنها ۲۰ گل خورده، به سومین قهرمانی متوالی خود در این لیگ رسید و موفق شد هم در جام حذفی و هم در جام اتحادیه فوتبال این کشور به قهرمانی برسد

طرح: حامد حسینی

«ایران» تغییر در کادر فنی تیم فوتبال پرسپولیس را از نگاه کارشناسان بررسی می‌کند

بن‌بست بی‌ثباتی؟

کسب تنها ۱۱ امتیاز از ۸ دیدار، سرانجام هیأت‌مدیره باشگاه پرسپولیس را برآن داشت تا حکم برکناری وحید هاشمیان از سمت سرمربیگری تیم فوتبال بزرگسالان این باشگاه را صادر کند؛ تصمیمی که هرچند از منظر بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران فوتبال، اقدامی شتاب‌زده و خارج از چهارچوب‌های مدیریت حرفه‌ای ورزش به‌شمار می‌رود، اما در نهایت به اجرا درآمد. این تصمیم در حالی اتخاذ شد که اعضای هیأت‌مدیره پیش‌تر مهلتی دو هفته‌ای برای بهبود نتایج در اختیار هاشمیان قرار داده بودند، اما پیش از پایان این فرصت، تغییر در رأس کادر فنی را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دانستند و با انتخاب اوسمار ویرا، مربی برزیلی، امید دارند تا جانی تازه در کالبد سرخ‌پوشان دمیده شود و تیم بار دیگر در مسیر قهرمانی گام بردارد. برای واکاوی ابعاد این اتفاق، به سراغ کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه فوتبال رفتیم تا برکناری هاشمیان را از منظر آنان مورد بررسی قرار دهیم.

ریخت و پاش مالی و دیگر هیچ ...

جلال چراغپور
کارشناس و مربی فوتبال ایران

پروسه برکناری و اخراج مربیان در فوتبال ایران را باید از دو منظر اجتماعی و فوتبالی مورد بررسی قرار داد. آسیب‌شناسی اجتماعی این پدیده نشان می‌دهد که در بیشتر موارد، عوامل و دلایل مرتبط با برکناری‌ها، شباهت چشمگیری به یکدیگر دارند. به عنوان مثال، برکناری مجتبی جباری از استقلال و وحید هاشمیان از کادر فنی پرسپولیس، دو رخداد با الگوی مشابه‌اند. یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری این چرخه اشتباه آن است که ما در فرهنگ فوتبال خود، میان «تماشاچی»، «تماشاگر» و «طرفدار» تمایز قائل نشده‌ایم. در این مسیر، برخی افراد به دنبال اهدافی خارج از عرصه ورزش و در پی مقاصد کاملا غیرفوتبالی‌اند. این نوع رفتارها البته محدود به ایران نیست و در سراسر جهان نیز نمونه‌هایی مشابه کشورمان دیده می‌شود، همچون باسک و ایرلند شمالی که ریشه‌هایی غیرورزشی دارند. آنچه در این میان اهمیت دارد، درک تفاوت میان تماشاچی و طرفدار و جدا دانستن مسیر آنان از یکدیگر است. زمانی که جریان‌ها و گروه‌های گوناگون به واسطه منافع مشترک در یک مسیر هم‌راستا می‌شوند، عده‌ای به‌عنوان لیدر نقش هدایت و خط دهی به این طیف‌ها را برعهده می‌گیرند. این لیدرها با برگزاری نشست‌های خصوصی، روند هدایت را هدفمند کرده و با تزریق تدریجی اندیشه‌ها و اهداف خود، بستر دستیابی به مقاصدشان را فراهم می‌کنند. در گام بعد، مطبوعات و رسانه‌ها وارد میدان می‌شوند و با پوشش دادن مطالبات این گروه‌ها، فضای افکار عمومی را متوجه موضوع می‌سازند. همزمان، جریان‌هایی موسوم به موج‌سواران هستند که از این موقعیت بهره می‌برند. آنان با انگیزه‌های مالی مشخص، از هرگونه آشفتگی بیشترین استفاده را می‌برند تا فضا را مطابق منافع اقتصادی خود شکل دهند و از این مسیر به ثروتی غیرمتعارف دست یابند. نگاهی به سبک زندگی و وضعیت مالی برخی ایجنت‌ها به‌روشنی گویای این واقعیت است؛ افرادی که با درآمدهای سوپرمیلیاردی و سبک زندگی لاکچری، از دل چنین آشفتگی‌هایی به رفاه رسیده‌اند. از این منظر، آسیب‌شناسی این جریان امری ضروری است و نباید به‌سادگی از کنار آن گذشت. اما از دیدگاه فوتبالی نیز باید پرسید؛ هدف ما از برکناری یک مربی یا سرمربی چیست؟ اگر نگاه‌مان به فوتبال علمی و مبتنی بر استانداردهای حرفه‌ای باشد، درخواهیم یافت که تغییرات آنی و احساسی هرگز ما را به دستاوردی پایدار نمی‌رساند. رخدادهای فصل گذشته باشگاه استقلال شاهدی روشن بر این مدعاست. روند مکرر تغییرات نیمکت این تیم از کنار رفتن جواد نکونام و آمدن بختیاری‌زاده، تا حضور پیتسو موسیمانه، بازگشت دوباره بختیاری‌زاده، انتخاب محمد نوازی، استخدام بوژویچ و در نهایت سپردن تیم به مجتبی جباری نه‌تنها ثمربخش نبود، بلکه چالشی تازه و هزینه‌زا را نیز رقم زد. حاصل این رفت‌وبرگشت‌های شتاب‌زده، تنها ریخت‌وپاش مالی بود که برخی از آن منتفع شدند؛ درست مانند پول‌هایی که در یک مراسم عروسی به عنوان شاباش، بی‌هدف و نمایشی در هوا پخش می‌شود. در سوی دیگر، پرسپولیس باید در قبال وحید هاشمیان صبر و شکیبایی بیشتری به خرج می‌داد. او مربی‌ای پرورش‌یافته در فوتبال آلمان بود؛ با نظمی مثال‌زدنی و دارای ایدئولوژی مشخص در جریان لیگ. اما هنگامی که در رأس هرم مدیریتی یک باشگاه ورزشی، به مربی اجازه رفتار حرفه‌ای داده نمی‌شود و بی‌دلیل تحت فشار قرار می‌گیرد، دیگر نمی‌توان انتظار کسب نتیجه‌ای مطلوب و مطابق معیارهای استاندارد داشت. در حقیقت، تغییرات پیاپی در کادر فنی باشگاه‌های فوتبال، تنها به سود جریانی فرصت‌طلب و منفعت‌جو تمام می‌شود که با سازماندهی و برنامه‌ریزی دقیق، سعی در تحمیل تغییر به میل خود دارند. برای این جریان، استقلال و پرسپولیس تفاوتی ندارند؛ هر دو بستری مناسب برای بهره‌برداری و سودجویی‌اند. از نگاه این افراد منفعت جو، تیم‌هایی با بودجه‌های کلان چون استقلال و پرسپولیس بهترین گزینه برای پیگیری منافع هستند. البته گاه دامنه این جریان به تیم‌هایی چون سپاهان نیز کشیده می‌شود، اما نمود اصلی رفتار آنان در همین دو باشگاه بزرگ پایتخت آشکار است.

در مورد مربیان، تنها پرداخت غرامت به مربی برکنار شده در متن مقررات مورد توجه قرار گرفته و هیچ‌گونه محرومیتی از بابت فعالیت‌های نقل و انتقالاتی شامل حال باشگاه نخواهد شد

میزان غرامت هاشمیان چگونه محاسبه می‌شود؟

هوشنگ نصیرزاده
کارشناس حقوقی فوتبال

طبق مواد ۱۴ و ۱۷ مقررات نقل و انتقالات فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا)، هر گاه باشگاهی قرارداد بازیکن خود را به صورت یک‌طرفه فسخ کند، آن باشگاه محکوم به پرداخت غرامت و همچنین محرومیت از فعالیت در پنجره‌های قانونی نقل و انتقالات فیفا خواهد شد. با این حال، قانونگذار هیچ‌گونه پیش‌بینی مشخصی درباره برکناری مربیان انجام نداده است. در مورد مربیان، تنها پرداخت غرامت به مربی برکنار شده در متن مقررات مورد توجه قرار گرفته و هیچ‌گونه محرومیتی از بابت فعالیت‌های نقل و انتقالاتی شامل حال باشگاه نخواهد شد.

در فرآیند پرداخت غرامت نیز همه چیز منوط به مفاد مندرج در قرارداد میان باشگاه و مربی است. به این ترتیب، اگر شرطی درباره نحوه فسخ قرارداد در متن توافق طرفین درج شده و به تأیید رسیده باشد، مرجع رسیدگی‌کننده همان شرط را مبنای تعیین میزان غرامت و مشروعیت فسخ قرار خواهد داد.

در غیر این صورت، بر اساس قانون سوئیس که مبنای تصمیم‌گیری‌های فدراسیون جهانی فوتبال است، باقی‌مانده دستمزد مربی تا پایان مدت قرارداد رسمی، به‌عنوان غرامت از سوی باشگاه به وی پرداخت خواهد شد .

قانون‌گذار معتقد است باشگاه، به‌عنوان کارفرما و طرف اول قرارداد، می‌تواند در هر زمان قرارداد مربی، به‌عنوان طرف دوم را فسخ کند و به همین دلیل نباید از فعالیت‌های نقل و انتقالاتی محروم شود.

نکته حائزاهمیت آن است که بر اساس اصل «سبک‌سازی قراردادها»، چنانچه مربیان یا بازیکنان پس از فسخ قرارداد با باشگاه جدیدی توافق کرده و قرارداد رسمی امضا کنند، دستمزد جدید آنان از مبلغ غرامت پرداختی توسط باشگاه پیشین کسر می‌شود.

در خصوص مدت قرارداد مربی برکنار شده نیز ملاک تصمیم‌گیری مرجع رسیدگی‌کننده، نحوه شروط تمدید قرارداد است. برای مثال، اگر باشگاه پرسپولیس در قرارداد خود با هاشمیان، شرط تمدید را منوط به رضایت باشگاه برای سال دوم و سوم قرار داده باشد، فیفا، باشگاه پرسپولیس را از پرداخت غرامت مربوط به دو فصل بعد معاف خواهد کرد؛ زیرا شرط تمدید تحقق نیافته است.

سرمایه‌های فوتبال را نابود نکنیم

حسین کلانی
پیشکسوت پرسپولیس

در سراسر جهان، تیم‌های فوتبال گاه پیروز و گاه ناکام می‌شوند، ذات فوتبال همین است؛ برد و باخت. اما در فوتبال ایران، گرفتار چرخه‌ای نادرست از تصمیم‌گیری شده‌ایم که پایان آن اغلب با واژه ناخوشایند «اخراج» رقم می‌خورد. در سال‌های گذشته هیچ‌گاه در روند تصمیم‌گیری‌های مدیریتی فوتبال دخالت نکرده‌ام، اما باور دارم که استفاده از واژه «اخراج» در شأن فوتبال ما نیست. وحید هاشمیان یکی از قهرمانان با پرستیژ و بااخلاق فوتبال ایران بود. باید اندکی صبر و حوصله به خرج می‌دادیم تا تیم او از نظر فنی شکل بگیرد. تیم هاشمیان در مسیر ساخت و تثبیت بود و او می‌توانست با بهره‌گیری از تجربه ارزشمندش در فوتبال آلمان، کار را به سرانجام مطلوبی برساند. اما با اولین لغزش، به جای حمایت و اصلاح مسیر، تصمیم به برکناری او گرفتیم و یکی از چهره‌های مؤدب و حرفه‌ای فوتبال را کنار زدیم. امیدوارم پیامدهای این تصمیم به خیر و صلاح فوتبال ما تمام شود، اما نباید فراموش کنیم که با چنین رفتارهایی، سرمایه‌های اخلاقی و انسانی فوتبال کشور را از چرخه فعالیت خارج می‌کنیم. آیا در فوتبال حرفه‌ای جهان نیز چنین تصمیم‌های عجولانه‌ای گرفته می‌شود؟

اگر واقعاً به دنبال پیشرفت و اثربخشی در حوزه مربیگری هستیم، باید صبر، سعه صدر و نگاه بلندمدت داشته باشیم. سرمایه‌های انسانی را به آسانی از دست ندهیم و فرهنگ «اخراج» را از ادبیات فوتبال خود حذف کنیم؛ چراکه این واژه، به‌ویژه زمانی که درباره مربیان شایسته داخلی به کار می‌رود، توهینی است به تلاش و ارزش آنان.

از ۳۵۰ هزار تا ۱.۶ میلیون دلار

رشد نجومی دستمزد مرد برزیلی

یکی از نکات قابل‌تأمل در بازگشت اوسمار ویرا به نیمکت پرسپولیس، میزان دستمزدی است که این سرمربی برزیلی برای دومین دوره حضور خود در ایران دریافت خواهد کرد. طبق شنیده‌های موثق از باشگاه پرسپولیس، ویرا قراردادی دوساله به ارزش یک‌میلیون و ششصد هزار دلار با این باشگاه به امضا رسانده است؛ رقمی که در مقایسه با اولین قرارداد او در پرسپولیس، جهشی چشمگیر که نمی‌توان به سادگی از کنارش گذشت.

اوسمار در اولین حضور خود در فوتبال ایران، به عنوان دستیار یحیی گل‌محمدی، با سابقه‌ای محدود در مربیگری لیگ برزیل، قراردادی در حدود ۳۵۰ هزار دلار امضا کرد؛ قراردادی که چندان مورد توجه رسانه‌ها قرار نگرفت. اما حالا، پس از دو قهرمانی پیاپی در لیگ ایران و تایلند، او با رقمی چند برابر بازگشته است.

نکته جالب آن‌که، رقم قرارداد فعلی اوسمار ویرا با پرسپولیس حتی از قرارداد ۱.۱ میلیون دلاری او در بوریرام تایلند نیز فراتر رفته و فاصله معناداری میان جایگاه و دستمزد او نسبت به گذشته ایجاد کرده است. هرچند این مبلغ همچنان از ۲.۲ میلیون دلار قرارداد اسماعیل کارتال برای یک فصل و نیم کمتر است، اما پرسش اصلی اینجاست که آیا مدیران پرسپولیس در محاسبه ارزش واقعی مربی خود دچار اغراق نشده‌اند؟

هواداران پرسپولیس به خوبی می‌دانند که اعتبار امروز اوسمار، بیش از هر چیز، حاصل فرصتی است که این باشگاه به او داد. با این حال، اکنون همان باشگاه ناچار است بهای چندبرابری برای بازگرداندن مردی بپردازد که روزی در سایه اعتماد پرسپولیس به نامی بزرگ بدل شد.

حال سؤال اینجاست آیا این سرمایه‌گذاری سنگین، حاصل دوراندیشی مدیران است یا تکرار چرخه‌ای آشنا از تصمیم‌های احساسی و هزینه‌های بی‌ثمر در فوتبال ایران؟ پاسخ را باید در پایان فصل جست‌وجو کرد؛ جایی که نتیجه، قضاوت نهایی را رقم خواهد زد.

رفتار باشگاه در برکناری هاشمیان شوکه‌کننده بود

باقری: این وضعیت در شأن پرسپولیس نیست

کریم باقری، مربی تیم پرسپولیس، در واکنش به برکناری ناگهانی وحید هاشمیان از سمت سرمربیگری این تیم، انتقادات تندی را علیه شیوه مدیریتی باشگاه مطرح کرد. او با ابراز تعجب از نحوه اعلام این تصمیم می‌گوید:«در فوتبال دنیا تغییر مربی امری طبیعی است، اما کجای دنیا به این شکل عمل می‌کنند؟ در حالی که هاشمیان در تمرین تیم حضور داشت، در رسانه‌ها خواندیم که سرمربی جدید قرارداد امضا کرده است!»

باقری که پس از سکوتی طولانی حاضر به مصاحبه شد، در گفت‌وگو با فوتبال ۳۶۰ توضیح داد:«شأن و حرمت وحید هاشمیان رعایت نشد، نه شأن وحید حفظ شد و نه شأن باشگاه بزرگ پرسپولیس. قطع همکاری با مربی هم آداب و اصولی دارد، نه اینکه مربی در حال کار باشد و همزمان با فرد دیگری قرارداد بسته شود.»

او انتشار خبر برکناری هاشمیان از طریق استوری یکی از مدیران باشگاه را «شوکه‌کننده» توصیف کرد و ادامه می‌دهد: «می‌توانستند رسمی و محترمانه از طریق سایت باشگاه اطلاع‌رسانی کنند.» وی همچنین به شرایط سخت آماده‌سازی تیم پیش از دیدار برابر ذوب‌آهن اشاره کرد و از هواداران پرسپولیس بابت رفتار حرفه‌ای‌شان تشکر کرد:«خیلی نگران بی احترامی روی سکوها بودم، اما هواداران فقط حمایت کردند و نشان دادند چقدر با فرهنگ هستند.»

باقری با انتقاد از زمان‌بندی تغییر کادر فنی می‌گوید:« اگر وحید در این دو بازی می‌ماند، چه می‌شد؟ در فیفادی می‌توانستند سرمربی جدید را معرفی کنند تا وقت کافی برای کار با تیم داشته باشد.»

او در پایان توضیح داد:«الان نه وحید هست و نه سرمربی جدید بالای سر تیم؛ این وضعیت برای پرسپولیس خوب نیست. امیدوارم در آینده، دیگر با بزرگان چنین رفتاری تکرار نشود.»

هاشمیان قربانی آشفتگی در معیارها

امیر عابدینی
مدیرعامل سابق پرسپولیس

در عرصه پرتلاطم فوتبال ایران، جایی که سیاست های مدیریتی اغلب بیش از استراتژی‌های فنی، سرنوشت تیم‌ها را رقم می‌زند، جدایی وحید هاشمیان از پرسپولیس نمادی از آشفتگی و فقدان معیارهای اصیل است. هاشمیان، این فوتبالیست نجیب ملی که با سابقه درخشان در بوندس‌لیگا و مربیگری در رده‌های مختلف آلمان، به نیمکت سرخ‌پوشان پایتخت گام نهاد، اکنون قربانی بی‌کفایتی مدیران باشگاه شده است. مدیران پرسپولیس، فاقد سواد و معیارهای لازم برای هدایت چنین غول فوتبالی، تصمیماتی اتخاذ می‌کنند که نه بر پایه کارشناسی، بلکه بر مبنای هوس‌های زودگذر و گرایش به مربیان خارجی استوار است. همان‌گونه که از قدیم گفته‌اند انگار مرغ همسایه غاز است و چشم آبی‌ها و سبزها برای مدیران فعلی ورزش ما جذاب‌تر از استعدادهای وطنی جلوه می‌کند.

از روز اول انتصاب هاشمیان، اینجانب مخالف نبودم، اما بر دشواری‌های پیش‌رو تأکید داشتم. انتخاب او در آن برهه، هرچند شجاعانه، اما فاقد برنامه‌ریزی بلندمدت بود. اگر مسئولیت برعهده بنده بود، از همان ابتدای فصل، اهداف مشخصی همچون کسب امتیازات معین تا نیم‌فصل برایش تعریف می‌کردم و با حمایت قاطع، اجازه می‌دادم کارش را به سرانجام برساند. اگر ناکام می‌ماند، آنگاه تغییر ایجاد می‌شد؛ نه اینکه در میانه پیشرفت، ناگهان برکنار گردد. هاشمیان تازه داشت تیم را می‌شناخت، او شادابی را به تیم بازگردانده بود و با پیروزی دو بر صفر مقابل ذوب‌آهن، نشانه‌های حرکت رو به جلو را نمایان ساخته بود. حال، چرا این پیشرفت نادیده گرفته شد؟

هاشمیان دارای اصالت است و ید طولایی در فوتبال، تجربه آکادمی‌های خارجی و مربیگری در سطوح گوناگون آلمان دارد. او نه تنها بازیکن ملی‌پوش شریفی بوده، بلکه نماد تعهد و حرفه‌ای‌گری است اما مدیران، به جای پذیرش ناکارآمدی خود، او را قربانی کردند. این جدایی، نه تنها خسارتی برای پرسپولیس، بلکه هشداری برای کل فوتبال ایران است؛ تا زمانی که مدیریت بر پایه بی‌معیاری بچرخد، استعدادهای وطنی همچون هاشمیان، همواره در حاشیه خواهند ماند.

فوتبال ایران اسیر فضاسازی دلالیسم در مجازی

کامنت‌نویسی‌های میلیاردی!

سینا حسینی/ برکناری وحید هاشمیان از کادر فنی پرسپولیس، به‌قدری عجیب و دور از باور بود که حتی کریم باقری نیز در برابر این تصمیم ایستاد و مدیران باشگاه را به‌خاطر چنین رفتاری مورد انتقاد جدی قرار داد.

اما مرور دقیق روند برکناری هاشمیان و سلسله تصمیم‌های مدیران پرسپولیس در دوران پسادرویش نشان می‌دهد که این مدیران، برخلاف وعده اولیه خود مبنی بر اولتیماتوم دو هفته‌ای به هاشمیان، نه‌تنها به قول خود پایبند نماندند، بلکه پیش از برگزاری بازی با ذوب‌آهن، مذاکرات محرمانه‌ای با سرمربی برزیلی آغاز کردند تا جایگزین او را بیابند. منتقدان معتقدند حتی اگر هاشمیان دیدار برابر تراکتور را هم مانند بازی با ذوب‌آهن با پیروزی پشت سر می‌گذاشت، باز هم واژه «اخراج» در برابر نام او قرار می‌گرفت. چراکه مدیران غیرفوتبالی پرسپولیس برای ادامه حیات مدیریتی خود، به یک قربانی تازه نیاز داشتند تا زیر فشار افکار عمومی و منتقدان دوام بیاورند.

اتفاقی که در هیچ نقطه‌ای از جهان فوتبال مشابهش را نمی‌توان یافت، اما در ایران، مدیران پرسپولیس پیمان حدادی و علی اینانلو با همان الگوی فصل گذشته مدیران استقلال، تصمیم‌سازی را نه در جلسات فنی و مدیریتی، بلکه در کامنت‌های هواداران فضای مجازی جست‌وجو کردند!

به این ترتیب روشن شد که مبنای تصمیم‌گیری در فوتبال ایران دچار دگردیسی خطرناک شده است؛ جایی که آینده باشگاه‌های بزرگ پایتخت نه بر اساس منطق، تحلیل یا دانش مدیریتی، بلکه بر پایه موج‌سازی و «ترندسازی» در شبکه‌های اجتماعی رقم می‌خورد.

نکته تأمل‌برانگیز اینجاست که مدیران به‌اصطلاح حرفه‌ای پرسپولیس و استقلال، هنوز از درک پشت‌پرده جریان دلالیسم دیجیتال عاجز مانده‌اند؛ جریانی سازمان‌یافته که با لشکر «کامنت‌نویسان اجاره‌ای» و «هشتگ‌سازان میلیاردی»، به دنبال تحمیل گزینه‌های مدنظر خود است تا مسیر ورودشان به این دو باشگاه هموار شود. شاید اگر مدیران تصمیم‌ساز این دو باشگاه، اندکی از هیجانات فضای مجازی فاصله می‌گرفتند و به اصول واقعی مدیریت و منطق تصمیم‌گیری پایبند می‌ماندند، امروز نه از هدررفت میلیاردها تومان بودجه خبری بود و نه از اخراج غیرمنتظره وحید هاشمیان. او می‌توانست همچنان بر نیمکت پرسپولیس بنشیند و تیمی بسازد که با ثبات و آرامش پیش برود نه با تصمیماتی که ریشه در کامنت‌ها دارد و میوه‌اش، بی‌ثباتی است.

هاشمیان همچنان مانع معرفی سرمربی جدید

بلاتکلیفی مطلق نیمکت پرسپولیس

محمدرضا رحیم پور/ باشگاه پرسپولیس در حالی که به تازگی با اوسمار ویرا، مربی برزیلی سابق خود، برای هدایت تیم به توافق رسیده است، همچنان درگیر حل و فصل قرارداد وحید هاشمیان، مربی فعلی خود است. محمد انصاری، معاون ورزشی باشگاه پرسپولیس، روز گذشته پس از تمرین تیم، در تماسی با وحید هاشمیان از وی خواست تا در تمرینات شرکت نکرده و برای تعیین تکلیف جدایی خود در جلسه‌ای با مدیران باشگاه شرکت کند. باشگاه پرسپولیس پیشنهاد برگزاری این جلسه را در روز شنبه مطرح کرد، اما به درخواست هاشمیان، این جلسه به صبح روز یکشنبه موکول شد. با این وجود، هاشمیان در جلسه روز یکشنبه نیز حاضر نشد و اعلام کرد که روز دوشنبه برای مذاکره بر سر فسخ قراردادش حاضر خواهد شد.

این در حالی است که باشگاه پرسپولیس به طور رسمی با اوسمار ویرا قرارداد امضا کرده و تا زمانی که قرارداد وحید هاشمیان فسخ نشود، قادر به معرفی رسمی سرمربی جدید نخواهد بود. پیش از این، باشگاه پرسپولیس در نظر داشت تا اوسمار ویرا در بازی برابر تراکتور روی نیمکت پرسپولیس حضور یابد، اما با توجه به عدم تعیین تکلیف قرارداد هاشمیان و عدم رونمایی از سرمربی جدید، به نظر می‌رسد که دستیاران هاشمیان، تیم پرسپولیس را در دیدار مقابل تراکتور هدایت خواهند کرد. این بلاتکلیفی در حالی ادامه دارد که هواداران پرسپولیس منتظر تعیین تکلیف هرچه سریع‌تر این موضوع و معرفی رسمی سرمربی جدید هستند تا تیم با آمادگی کامل به مصاف حریفان خود برود.